

مذهب از دید «فریدریش انگلس»

«بلانکیست»‌های ما این وجه اشتراک را با «باکونینیست»‌ها دارند که می‌خواهند نماینده‌ی افراطی‌ترین و تندترین مشی باشند. ضمناً ناگفته نماند که به همین جهت نیز آن‌ها، اگر چه هدف‌های مختلفی دارند، ولی وسایل کارشان یکی است. بنابر این موضوع بر سر آن است که در رابطه با انکار وجود خدا افراطی‌تر از دیگران عمل کنند. خوش بختانه امروزه آته‌ایست بودن دیگر هنری نیست. آته‌ایزم برای احزاب کارگری اروپا، امری تقریباً بدیهی است، اگر چه در برخی کشورها به اندازه‌ی کافی تولید اشکال کرده است. مثلاً در مورد آن باکونینیست اسپانیایی که اظهار داشته است: "اعتقاد به خدا با هر سوسیالیسمی مغایرت دارد اما در مورد مریم باکره، این مطلب دیگری است که یک سوسیالیست معمولی بایستی به آن اعتقاد داشته باشد. "در مورد کارگران سوسیال دموکرات آلمان حتی می‌توان گفت که آته‌ایزم از نظر آن‌ها موضوعی کهنه شده تلقی می‌گردد و این کلمه صرفاً منفی، دیگر روی آن‌ها تأثیری ندارد زیرا آن‌ها دیگر با مخالفت تنوریک سر و کاری ندارند بلکه فقط به طور پراتیک با اعتقاد به خدا مخالف هستند. آن‌ها دیگر کاری با خدا ندارند و در دنیای واقعی زندگی و فکر می‌کنند و به این جهت ماتریالیست هستند. این می‌تواند در مورد فرانسه نیز مصداق داشته باشد و البته اگر چنین نباشد، کاری از این ساده‌تر نیست که کوشش شود تا آثار ماتریالیستی درخشان قرن گذشته فرانسه به طور وسیعی در میان کارگران اشاعه داده شود. آثاری که در آن‌ها شعور فرانسوی برحسب شکل و محتوا

به عالی ترین مدارج خود رسیده و با در نظر گرفتن سطح دانش آن زمان هنوز هم از نظر محتوا در سطح بی نهایت بالایی قرار دارد و از لحاظ شکل هرگز نظیر آن به وجود نیامده است. اما این مطابق میل بلاتکیست های ما نیست و این ها برای آن که ثابت کنند که افراطی ترین افرادند، همانند ۱۷۹۳ می خواهند خدا را به وسیله ی احکام و دستوراتی از بین ببرند:

"کمون می تواند برای همیشه بشریت را از شیخ بدبختی گذشته " (خدا)" و از علت بدبختی کنونیش نجات بدهد. در کمون جایی برای کشیش ها وجود ندارد و هر نوع جمعاعات مذهبی و هرگونه تشکیلات دینی باید ممنوع گردد." و فرمان مربوط به این که مردم بایستی برحسب دستور از بالا به آتیه ایست هائی مبدل شوند، به وسیله ی دو نفر از اعضای کمون امضاء شده است که واقعاً به اندازه ی کافی فرصت آگاه شدن از این مسائل را داشتند که: اولاً می توان روی کاغذ دستورات زیادی صادر کرد و بدون آن که واقعاً قابل اجرا باشند و ثانیاً تضییقات، بهترین وسیله برای آن هستند که موجب تشدید بدگمائی ها و نارضایتی ها گردند. تا این حد مسلم است که تنها خدمتی که می توان امروزه در حق خدا کرد این است که خدانشناسی به عنوان مسأله ی عقیدتی اجباری اعلام گردد و این ها از طریق ممنوع ساختن مذهب، از بیسمارک - که قوانینی برای مبارزه با فرهنگ کلیسایی گذرانده بود- گوی سبقت را ربوده اند.

منبع: نشریه کارگر سوسیالیست شماره ۴۸ صفحه ۱۸

ترجمه: انتشارات نوید

بازنویس: یاشار آذری

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de/>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳